



هرمنوتیک و جایگاه آن در معرفت تاریخی

هرمنوتیک که دانشی کلامی است به منظور استفاده در متون بالاخص متون علوم انسانی مورد توجه قرار می گیرد و منظور از آن علم تفسیر متن و یا به تعبیر بهتر توضیح، ترجمه، و فهمیدن اثر است.

خبرگزاری مهر- هرمنوتیک که دانشی کلامی است به منظور استفاده در متون بالاخص متون علوم انسانی مورد توجه قرار می گیرد و منظور از آن علم تفسیر متن و یا به تعبیر بهتر توضیح، ترجمه، و فهمیدن اثر است.

لفظ و معنای هرمنوتیک

هرمنوتیک در فعل یونانی (هرمنوبین) به معنی تفسیرکردن آمده است و صورت اسمی آن هرمینا (تفسیر در آثار فیلسوفان باستان) است. ارسطو این تعبیر را به گونه ای مهم به شمار می آورد تا جایی که بخشی از رساله بزرگ و حجیم خود ارغنون را به یاری ارمیناس به معنی (درباره تاویل در خصوص تفسیر) اختصاص می دهد. یونانی ها همواره به طور سنتس میان هرمنوتیک و هرمس (خدای پیام رسان) رابطه لفظی و معنوی برقرار می کنند.

بدین نحو هرمس دانش برخاسته از دیالکتیک در نگاه سقراط و افلاطون بود که شناختن بدون پیش فرض و برخاسته از گفت و گو و تعامل جمعی را برای انسان به ارمغان می آورد. جایگاه زبان در دو بعد معنوی و مفهومی آن بسیار مهم است و رابطه ذهن و زبان در برداشت های هرمنوتیکی و پدیدار شناختی قبل ملاحظه می باشد. بسیاری از اندیشمندان زبان را دریچه ارتباط انسان با هستی و جهان قلمداد می کنند. با آنچه که بیان شد می توان گفت: اصل و منشاء دانش واژه هرمنوتیک که ریشه های آن به یونان باز می گردد متضمن بیان، توضیح، ترجمه و در یک کلام عمل به فهم آوردن است.

مفهوم هرمنوتیک

هرمنوتیک را به طور معمول فن، هنر و نظریه تفسیر یا تاویل نوشتار و گفتار تعبیر می کنند، چنان که تفسیر ناظر به معنای ظاهری و تاویل راه یابی به معنای باطنی نوشتار و گفتار می باشد. از هرمنوتیک تعریف هایی متعدد ارائه شده است که به بخشی از آنها اشاره می گردد:

-هرمنوتیک به منزله نظریه تفسیر کتاب مقدس، روش شناسی لغوی، و علم فهم زبانی است.

-نسبت تفکر به تامل فلسفی است که می کوشد مفهوم فهمیدن را روشن کند و به این پرسش پاسخ دهد که چه چیزی سازنده معنای هر چیز معنادار است.

-فعالیتی ادراکی و ارتباطی که می توان آن را به نظریه هایی تقلیل داد که با تجربه، تاویل، توضیح و تفسیر پدیده ها سر و کار دارد.

ساختار و ماهیت هرمنوتیک

باید گفت: هرمنوتیک از سه مولفه متن، مولف، و مفسر برخوردار است و آنچه که این مولفه را به هم مرتبط می کند تاویل، تفسیر و فهم معنای متن است. به تعبیر بهتر هرمنوتیک یک ساختار سه ضلعی است که متن قاعده آن، و مولف و مفسر اضلاع دیگر آن هستند. مرکز آن فهم پدیداری معرفت شناختی و در عین حال هستی شناختی است. هرمنوتیک به عنوان روش علوم انسانی به صورتی است که در مقایسه با علوم طبیعی فهمی کامل تر و انسانی تر از انسان به دست می دهد.

هرمنوتیک و جایگاه آن در معرفت تاریخی

با نظر به سیر پیدایش و تاریخچه هرمنوتیک در آثار افراد برجسته ای چون شلایرماخر، هابرماس، دیلتای، هایدگر و... و با توجه به مهم بودن هرمنوتیک در علوم انسانی می توان بیان کرد که هرمنوتیک به عنوان دانش، رهیافت یا مکتبی که مقوله فهم را چه از منابع نوشتاری و چه گفتاری موردنظر دارد، خواسته یا ناخواسته با تاریخ چه در سطح نظری و چه معرفت شناسی مقارن است. تاریخ به مفهوم کنشی جمعی در گذشته و یا هر تعریف و تعبیر دیگری یک هدف دارد و آن هم جهت بخشیدن به

هستی انسان و ارائه راهکارهایی است که مستقیم یا غیر مستقیم در صدد بهتر کردن زندگی آدمیان در زمان حال می باشد. مورخان شناخت و تحلیل کنش های گذشته انسان را به کمک منابع تاریخی به انجام می رسانند و لذا منابع تاریخی بدیهی ترین وسیله برای رسیدن به هدفهای مورخان هستند. بنابراین با دقت در اهمیت و فایده دانشی چون هرمنوتیک می توان از آن به عنوان طریق یا طرق رسیدن به فهم در بسیاری علوم و همچنین در تاریخ بهره برد.

اهمیت هرمنوتیک در شناخت و فهم تاریخی را می توان در موارد ذیل جستجو کرد:

-کمک به ارتقای تاریخ در دو وجهه هستی شناسی و معرفت شناسی؛

-کمک به بلوغ تاریخ نگاری؛

-هموار کردن زمینه های طرح جدی (روش شناسی در تاریخ)؛

-ارائه الگوی نظام مند از تاریخ و پاسخ به این شبهه که تاریخ به امور منفرد جزئی و متغیر می پردازد و فاقد توانائی طرحی نظام مند است؛

-فراهم کردن زمینه های درک بین رشته ای در علوم انسانی و اجتماعی از جمله تاریخ و بسیاری موارد دیگر که می توان از آن نام برد.